



عبدالله

# سیاست مطبوعاتی و مطبوعات حکومتی در ایران

حسام‌الدین آشنا\*

\* حسام‌الدین آشنا، فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و تبلیغ از دانشگاه امام صادق (ع) است.

سیاست مطبوعاتی در دوره پهلوی  
(۱۳۱۷-۱۲۹۹)

کنترل و هدایت افکار عمومی، اساسی‌ترین ابزار حکومت‌های نوین برای کسب و نگاهداشت قدرت است. اگرچه در اولین ماه‌های پس از کودتای ۱۲۹۹، حکومت کودتا، روزنامه‌نگار توانایی چون سیدضیاءالدین طباطبایی را از مقام رییس‌الوزرای کنار گذاشت، اما رضاخان و هواداران او به خوبی قابلیت خود را در به کارگیری احساسات عمومی برای اعمال فشار مضاعف بر احمدشاه جوان نشان دادند. سیل تلگراف‌های آتشینی که در حمایت از جمهوری و اعلام انزجار از سلطنت قاجاریه به سوی پایتخت روان بود، در حقیقت تمرین‌های اولیه فرماندهان لشکرهای تحت امر رضاخان برای سخن گفتن به جای مردم بود.<sup>(۱)</sup>

جستجوی «دست آهنین» و «منجی ایران» و «نادری دیگر» در شهرها به شعار متداول قشرهایی از جامعه بدل شده بود که دردمندانه شاهد خاموشی شعله انقلاب مشروطه بودند. بدین‌گونه، شاعران-که از مهمترین گروه‌های تأثیرپذیر و تأثیرگذارند- بعضی از روی رغبت و بعضی از روی مصلحت، به ثناگوی رضاخان پرداختند. شاعر برجسته‌ای چون عارف قزوینی در جریان جمهوری خواهی که به سود رضاخان برپاشده بود، غزلی در تالار گراندهتل تهران

خواند که این دو بیت آن شهرت یافت:

خوشم که دست طبیعت نهاد در دربار  
چراغ سلطنت شاه بر دریچه باد  
کنون که می‌رسد از دور رایت جمهور  
به زیر سایه او زندگی مبارک باد!

ایرج میرزا (جلال‌الممالک) که از این شعر سخت رنجیده بود، منظومه هجوآمیز «عارف‌نامه» را سرود و در آن نوشت که عارف این «یک دهن» را بی‌ربط خوانده است. بسا این حال، خود او در منظومه عارف‌نامه گفته است:

تجارت نیست، صنعت نیست، ره نیست  
امیدی جز به سردار سپه نیست.<sup>(۲)</sup>

روزنامه‌ها هم، به حمایت از «نهضت جمهوری خواهی» پرداختند. ابتدا مقالاتی در انتقاد غیر مستقیم از احمدشاه به چاپ می‌رسید. ولی پس از درج مصاحبه رضاخان با شفق سرخ، درباره لزوم انجام اصلاحات، بیشتر روزنامه‌های تهران و پس از آن روزنامه‌های شهرستانها به شرح و تفسیر مصاحبه پرداختند و یکسره به سلسله قاجاریه حمله کردند و پس از آن، نوبت به اصل سلطنت موروثی و عیب و ایرادهای آن رسید. این نکته که فعالیت علیه قاجاریه، همزمان و در بیشتر روزنامه‌های پایتخت آغاز شد، نشان می‌دهد که در این باره میان ناشران و سردبیران روزنامه‌ها از سویی، و الهام دهندگان این فعالیت یعنی هیئت دولت

از دیگرسو، موفقیت کامل حاصل شده بود. اما شکست نهضت جمهوری خواهی، به اولین دوره همکاری مطبوعات و رضاخان پایان داد.<sup>(۳)</sup>

استقرار سلطنت مطلقه پهلوی و آشکار شدن شیوه خشن و دیکتاتورمآبانه رضاشاه، مطبوعات را بر سر دوراهی قرار داد. بسیاری از مطبوعات تعطیل شدند و رابطه چند روزنامه باقی‌مانده هم با حکومت پهلوی از همکاری به مزدوری گرایید. مطالعه روزنامه‌هایی چون اطلاعات، ایران و کوشش در سالهای سلطنت رضاشاه، نمایانگر یکسانی کامل و یکنواختی کتبل‌کننده آنهاست.

در طول حکومت ۱۵ ساله رضاشاه، آداب و سُنن مذهبی مورد هجوم قرار گرفت. پوشش سنتی مردان و حجاب زنان با سرنیزه مأموران امنیه به لباسهای فرنگی مبدل شد. تدریس شرعیات در مدارس توقف پیدا کرد، قدرت و نفوذ روحانیون به شدت کاهش یافت و نظم نوین اداری به شکل فزاینده‌ای به سوی تمرکزگرایی هدایت شد. «سازمان املاک اختصاصی» و «شرکتهای انحصاری»، خفقان سیاسی و نابسامانی اوضاع اقتصادی، زمینه‌های دوری مردم از حکومت را فراهم آورد. به تدریج، متفکران و سپس قاطبه مردم به این نتیجه رسیدند که رضاشاه چنگیزی است در لباس نادر که هدف حکومتش نه حفظ و حمایت ملت است و

نه بهبود اوضاع کشور، بلکه تنها به نگاهداری دستگاه ترور و چپاول و توسعه غاصبانة اموال خود می‌پردازد. برای جلوگیری از ابراز مخالفت، در ابتدای کار روش تولید رعب و وحشت کافی به نظر می‌رسید، ولی وقتی افراط در سوءاستفاده، جریان را به خارج از کشور و افشاگریهای روزنامه‌های خارجی کشاند<sup>(۴)</sup>، باید چاره‌ای اندیشیده می‌شد که دیگر از جنس تهدید و کشتار نباشد و با افکار مردم سروکار داشته باشد. تنها راه چاره، تبلیغاتی قوی و همه جانبه بود تا ارزشهای جدید و روشهای نوین زندگی و حسن قدرشناسی نسبت به حکومت<sup>(۵)</sup> را در اذهان مردم کاملاً جایگزین کند، و این امر، مستلزم تشکیلات منسجم، بهره‌گیری از افراد متخصص و بودجه‌ای در خور اعتنا بود.

### تشکیل سازمان پرورش افکار

با آماده شدن زمینه‌های لازم، هیئت وزیران در جلسه ۱۲ دی ماه ۱۳۱۷، اساسنامه تشکیلاتی به نام «سازمان پرورش افکار» را به تصویب رسانید (پیوست ۱). روزنامه‌های وابسته، بلافاصله به مدیحه‌سرایی پرداختند و تشکیل سازمان پرورش افکار را به مثابه آغاز نهضتی جدید در کشور قلمداد کردند. و نویسندگان روزنامه ایران از ابعاد جهانی آن سخن گفتند.<sup>(۶)</sup> سازماندهی تشکیلات و تهیه آیین‌نامه‌های لازم به سرعت انجام گرفت. بنابر اسناد موجود، نمای اداری سازمان پرورش افکار به شکل زیر بوده است.<sup>(۷)</sup>

اولین اقدام عملی، تأسیس شعبه‌های سازمان در شهرستانها و تصویب طرح پرورش افکار دانشجویان در جلسه شورای دانشگاه بود. قدم بعدی، تربیت نیروهای متخصص تبلیغاتی بود. اولین آموزشگاه، ویژه آموزگاران و دبیران بود. کلیه دبیرانی که کمتر از ۵۰ سال و آموزگاران که کمتر از ۴۰ سال داشتند، موظف شدند که در آموزشگاه حاضر شوند و به فراگیری درسهایی چون پرورش افکار به وسیله تاریخ و جغرافیا، آیین سخنوری، مبارزه با خرافات، پیشرفت ایران در عصر پهلوی، ملیت و وحدت ملی و اصول تربیت پیشاهنگی بپردازند.<sup>(۸)</sup> براساس آنچه در متن اساسنامه آموزشگاه پرورش افکار آمده، داشتن گواهینامه این آموزشگاه، در ترفیع و اضافه حقوق کاملاً مؤثر بوده است. هنرستان هنرپیشگی و هنرستان موسیقی نیز تربیت‌کادرهای متخصص در نمایشنامه‌نویسی، هنرپیشگی و نوازندگی را بر عهده داشتند.

### تأسیس اداره کل انتشارات و تبلیغات

در هفتمین جلسه هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار، اساسنامه کمیسیون مطبوعات به تصویب رسید و از ۳۰ بهمن ۱۳۱۷، این کمیسیون به ریاست محمد حجازی فعالیت خود را آغاز کرد. تا نیمه مهر ۱۳۱۹، اجرای سیاست مطبوعاتی صرفاً برعهده سازمان پرورش افکار بود. اما با گسترش جنگ جهانی دوم و حساسیت روزافزون مطبوعات در حفظ تعادل خبری میان طرفهای درگیر و نیز ناکافی

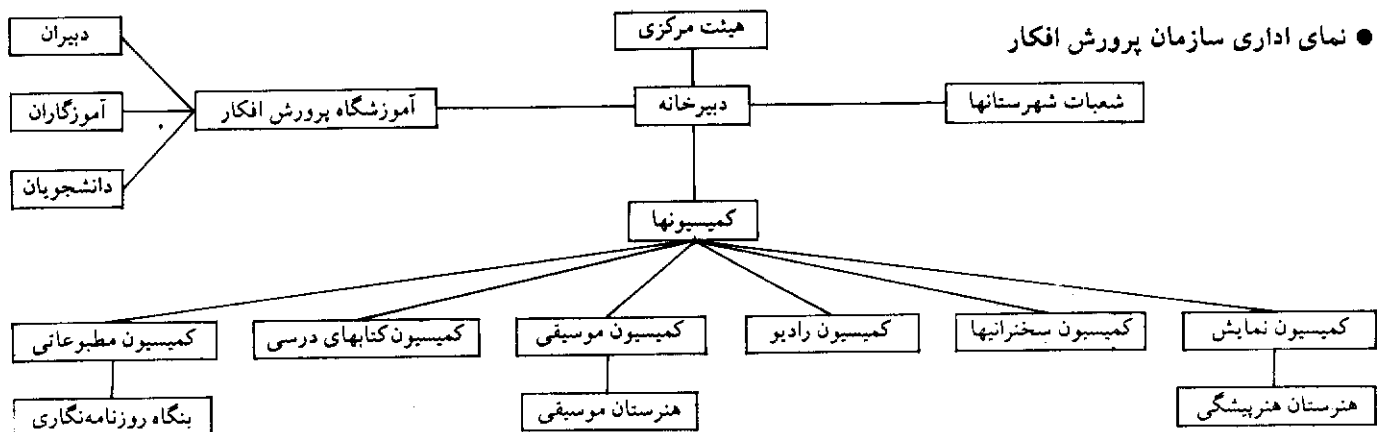
بودن اختیارات اجرایی سازمان پرورش افکار که وابسته به وزارت فرهنگ بود، سازمان جداگانه‌ای زیر نظر شخص نخست‌وزیر (علی منصور) به نام اداره کل انتشارات و تبلیغات تأسیس شد. ریاست این سازمان به عهده دکتر عیسا صدیق از اعضای هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار بود. وی بلافاصله، شورای عالی انتشارات را با همکاری عده‌ای از رجال سیاسی و ادبی کشور به وجود آورد.<sup>(۹)</sup>

پس از تعیین سیاست و خط مشی اداره کل تبلیغات، برخی ادارات همراه با ریسان و کارمندان خود به اداره کل انتشارات و تبلیغات منتقل شدند. این اداره‌ها عبارت بودند از: خبرگزاری پارس (از وزارت امور خارجه)، راهنمای نامه‌نگاری (از وزارت کشور)، و کمیسیونهای سخنرانی، مطبوعات، موسیقی، و رادیو (از سازمان پرورش افکار). با پیوستن کمیسیون مطبوعات به این مجموعه، توانایی اجرایی و امکانات حمایتی آن افزایش چشمگیری یافت.<sup>(۱۰)</sup>

### سیاستهای مطبوعاتی و انتشاراتی

با انتقال کمیسیون مطبوعات به اداره کل انتشارات و تبلیغات، سیاستهای مطبوعاتی و انتشاراتی دولت انسجام بیشتری پیدا کرد، و بار این سیاستها نیز بر دوش کمیسیون یاد شده بود.

با دقت در مواد اساسنامه کمیسیون مطبوعات، به نظر می‌رسد این کمیسیون پنج وظیفه عمده داشته است: ۱. هدایت



کلی مطبوعات کشور، ۲. اطلاع و کنترل کیفیت چاپ در کشور، ۳. تربیت کادر جدید و متخصص برای مطبوعات، ۴. سفارش و انتشار کتبی در راستای اهداف سازمان پرورش افکار، ۵. ایجاد نشریه‌ای قوی، مصور و تبلیغاتی به عنوان ارگان سازمان پرورش افکار (پیوست ۲).

### ۱. هدایت کلی مطبوعات کشور

طبق مواد ۲، ۳، ۴، ۵، ۸ اساسنامه، نشریات باید به انواع مختلف تقسیم می‌شدند و هر یک بنا به مخاطبان خود، اهداف خاصی را دنبال می‌کردند. از طرف دیگر، کمیسیون با گردآوردن نویسندگان زبردست، باید موضوعات و مقالاتی را به منظور اجرای مرام پرورش افکار برای درج در مطبوعات و نمونه دادن به نویسندگان دیگر تهیه می‌کرد.

### ایجاد روزنامه‌های انحصاری در مراکز استانها

برای تقویت مطبوعات وابسته و تسهیل در اعمال نظارت بر کیفیت و محتوای مطالب منتشر شده، تصمیم گرفته شد که در مراکز هر استان با ادغام روزنامه‌ها یا گاهنامه‌های مختلف در یکدیگر، مقدمات انتشار یک روزنامه قوی با مدیریت واحد و مشارکت تمامی دست‌اندرکاران فراهم شود. این سیاست، مورد توجه شخص رضاشاه بوده و او با دقت و وسواس تمام آن را پیگیری می‌کرده است. به این منظور، محمد حجازی طی مسافرت‌های متعددی به شهرستانهای مختلف، به مذاکره با صاحبان روزنامه‌های محلی پرداخت.

روزنامه منتخب، از مزایایی چون تأمین کاغذ، مخابره تلگرافی حداقل دو هزار کلمه اخبار خارجه و داخله به طور روزانه، ارسال مقالات متنوع از طرف پرورش افکار، همکاری ادارات فرهنگ، بهداری و کشاورزی برای تهیه مقالات، تأمین اخبار محلی با کمک استانداری، فرمانداری و شهرداری، کوشش استانداری در ترغیب و

• پیوست ۱  
سازمان هیئت مرکزی و کمیسیونهای پرورش افکار  
مصوب هیئت وزیران  
مؤرخ ۲۱ دی ماه ۱۳۱۷

هیئت وزیران در جلسه ۲۱ دی ماه ۱۳۱۷، پروتویته شماره ۱۳۸۹۲ مصوب ۲۱ دی ماه ۱۳۱۷ راجع به سازمان پرورش افکار، مواد ذیل را تصویب نمودند:

ماده ۱. بنابر پیشنهاد وزارت فرهنگ، آقایان ذیل به کارمندی هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار انتخاب می‌شوند:

دکتر صدیقی، دکتر شایگان، دکتر آشتیانی، فروزان فر به عنوان نمایندگان دانشگاه، فرهودی به عنوان ریاست آموزش سالمندان، پازگاد به عنوان ریاست پیشاهنگی، فرامرزی به عنوان کفالت اداره راهنمای نامه نگاری، علی اشرف ممتاز رییس دانشسرای دخترانه، رییس دبیرستان دارالفنون، دکتر غنی، رشید یاسمی.

ماده ۲. بنابر پیشنهاد وزارت فرهنگ، رؤسای کمیسیونهای فرعی به طریق ذیل انتخاب می‌شوند:

الف. جناب آقای بدر رییس کمیسیون وادیو  
ب. جناب آقای هلی نصر رییس کمیسیون نمایش  
ج. جناب آقای غلامحسین وهنما رییس کمیسیون کتابهای درسی  
د. آقای سروان مین باشیان رییس کمیسیون موسیقی  
ه. آقای محمد حجازی رییس کمیسیون مطبوعات.

ماده ۳. ریاست هیئت مرکزی به عهده آقای کنیل وزارت فرهنگ و ریاست دبیرخانه با آقای حسین فرهودی خواهد بود.

ماده ۴. جناب آقای دکتر متین دفتری وزیر دادگستری، از طرف دولت در سازمان پرورش افکار نظارت خواهند داشت.

ماده ۵. رؤسای کمیسیونها همواره در جلسات هیئت مرکزی حق حضور و شرکت در مشاورت را دارند.

نخست وزیر: محمود جم

• منبع: سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت آموزش و پرورش، سری ۱۰۰

• پیوست ۲  
اساسنامه کمیسیون مطبوعات  
مصوب هفتمین جلسه هیئت مرکزی  
مؤرخ ۳۰ بهمن ۱۳۱۷

ماده ۱. کمیسیون مطبوعات از چند بخش تشکیل می‌شود از قبیل بخش نامه نگاری، نویسندگی، چاپ و آگهی و شمشه‌های دیگر که در صورت لزوم ایجاد خواهد شد.

قسمت نامه نگاری

ماده ۲. کمیسیون مطبوعات بر عهده دارد برای اصلاح سبک نامه نگاری، آیین نامه‌ای تهیه نماید که نشریات را به انواع تقسیم کرده، حدود نگارشات و سایر مختصات و وظایف هر یک را معلوم نماید.

ماده ۳. کمیسیون موظف است هفتی از نویسندگان فراهم آورده، موضوعات و مقالاتی به منظور اجرای مرام پرورش افکار برای درج در مطبوعات و نمونه دادن به نامه نگاران تهیه نماید.

ماده ۴. کمیسیون مطبوعات مکلف است در طرز نگارش روزنامه‌ها بررسی و انتقاد نموده، نویسندگان را به حسن انشا و مطلب رهبری نماید.

ماده ۵. کمیسیون مطبوعات، بخشی برای رهبری آگهی دهندگان و انشای آگهیهای جانب و هفتی از نشانان برای آگهیهای مصور و کاریکاتور و تصویبات دیگر تشکیل خواهد داد.

ماده ۶. کمیسیون موظف است در طرز صفحه بندی روزنامه‌ها دقت نموده، تعلیمات لازم بدهد.

ماده ۷. کمیسیون وظیفه دارد از رقابتهایی که از هر جهت به خوبی روزنامه‌ها لطمه بزند، جلوگیری نماید.

ماده ۸. کمیسیون مطبوعات طرز تقسیم آگهیهای دولتی را به روزنامه‌ها و مجلات و نرخ چاپ آن را مورد توجه قرار داده، هر دفعه که نظری داشته باشد، به اطلاع هیئت مرکزی پرورش افکار می‌رساند.

قسمت کتاب

ماده ۹. کمیسیون مطبوعات هر ساله تا بیست موضوع در زمینه مرام پرورش افکار برای نوشتن بیست کتاب به مسابقه می‌گذارد. پرداخت جایزه به مؤلفین تابع آیین نامه جوایز بوده، ولی پرداخت مستمر به نویسندگان کتابهای پذیرفته شده، به وسیله کمیسیون مطبوعات و بر طبق آیین نامه نویسندگی صورت خواهد گرفت.

ماده ۱۰. کتابهایی که کمیسیون مطبوعات پذیرفته و به خرج خود چاپ می‌کند، متعلق به کمیسیون خواهد بود.

ماده ۱۱. کمیسیون مطبوعات بر عهده دارد وسایل چاپ را تکمیل نموده و توسعه دهد.

ماده ۱۲. کمیسیون مطبوعات به وسیله متخصصین، شرایطی برای ماشینهای چاپ روزنامه‌ها و مجلات تعیین نموده، از به کار انداختن ماشینهای چاپ ناقص و کهنه جلوگیری خواهد نمود.

ماده ۱۳. کمیسیون موظف است وسایل ایجاد کلاس چاپ برای تهیه چاپگرهای لایق و متخصص فراهم نماید.

ماده ۱۴. کمیسیون حق خواهد داشت ماشینهای چاپ موجود را متعلق به هر کس و به هر بهنگامی باشد، بازرسی نموده در تعمیر و اصلاح آنها کمک نماید.

• منبع: سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت آموزش و پرورش، سری ۱۰۰

تشویق مردم و بنگاه‌های بازرگانی برای اشتراک روزنامه و دادن آگهی، برخوردار می‌شد.<sup>(۱۱)</sup>

براساس اسناد موجود، در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۱۸ از ادغام دو روزنامه‌گذران توده و پسرورش در شهرستان رشت، روزنامه پسرورش توده به وجود آمد. و پس از مدتی، این نام به سپیدرود تغییر یافت.<sup>(۱۲)</sup>

روزنامه جدید بیش از هشت ماه دوام نیاورد و در اثر اختلاف مدیران و عدم حمایت از طرف استاندار، تعطیل شد. خلیل نوعی مدیر روزنامه‌گذران توده در نامه‌ای خطاب به معاون نخست وزیر، ضمن یادآوری مشکلاتی که پس از انتشار روزنامه سپیدرود متحمل شده است، به ذکر خدمات خود پرداخته و می‌نویسد: «به تنهایی می‌توانم از عهده برآمده، استرضای دولت و جمعیت سازمان پرورش افکار را فراهم کنم، چنانچه یک نظر کوچک به مقالات منتشره در روزنامه سپیدرود منتخبه دولت، ثابت می‌کند بر جراید شهرستانها رجحان و مزیت دارد و مؤثرترین مقالات از قبیل: گفتار روز، سخنرانیها، اقتصاد گیلان از نظر بازرگانی و کشاورزی، شرکتها و انواع آنها، بهداشت بانوان، روزنامه و روزنامه‌نگار، صنایع دولتهای بزرگ، مقالات کشاورزی، پاورقی قهرمانان گننام در روزنامه سپیدرود منتشر گردیده است». وی در قسمت دیگری از نامه خود به نکته‌ای اشاره می‌کند که از میزان محبوبیت روزنامه‌های پایتخت در شهرستانها حکایت می‌کند: «در اندک تحقیق می‌توان یافت روزنامه ایران که از حیث مقاله و متنوعات خود مهمترین روزنامه است، در شهرستان رشت غالب اوقات تک فروشی ندارد و درآمد روزنامه در رشت برابر هزینه آن از سه هزار ریال بیشتر نیست». وی بالاخره موفق می‌شود امتیاز روزنامه سپیدرود را به نام خود ثبت کرده و از مزایای «روزنامه انحصاری» برخوردار شود.<sup>(۱۳)</sup>

شهرستان رضاییه [= ارومیه] مرکز استان چهارم، تا سال ۱۳۱۹ فاقد یک روزنامه مستقل بوده است. در مهر ماه همان سال،

حجازی در جلسه‌ای با شرکت مسئولان ادارات و متنفذان استان، آنها را به ایجاد چاپخانه و روزنامه تشویق می‌کند. در نتیجه، ربیع انصاری مدیر داروخانه و تجارتخانه انصاری حاضر می‌شود روزنامه‌ای به نام کیوان زیر نظر اداره فرهنگ دایر نماید. و برای انتشار روزنامه، شرکت سهامی چاپ رضاییه با سرمایه ۳۰۰ هزار ریال تشکیل می‌گردد. برای کمک به هزینه چاپخانه، قرار شد کلیه امور چاپی دایره‌های دولتی در شهرستان رضاییه و سایر شهرستانهای استان چهارم به شرکت نامبرده ارجاع شود.<sup>(۱۴)</sup>

در تبریز با اینکه سه روزنامه شاهین، تبریز، و سهند دایر بود، ولی وضع آنها رضایت‌بخش نبوده است. لذا پس از چند جلسه مذاکره در حضور رئیس اداره فرهنگ و مسئولان روزنامه‌های موجود، حاصل آن شد که روزنامه‌ای به نام آریا به سعی صاحبان سه روزنامه نامبرده بامساعدت دولت ایجاد شود. اما از آنجا که هیچ یک از آقایان صاحبان روزنامه‌های نامبرده، حاضر نمی‌شد که جز خودش دیگری صاحب امتیاز روزنامه جدید شود، اسدالله دهقان یکی از بازرگانان مهم تبریز، حاضر شد امتیاز روزنامه را به اسم خود ثبت رساند.<sup>(۱۵)</sup>

انحصاری کردن روزنامه‌های شهرستانها، علاوه بر مشکلاتی که بر اثر عدم توافق مدیران به وجود آورد، گاه به پیگیری و شکایت صاحبان روزنامه‌های تعطیل شده می‌انجامید. مثلاً حسن مجاهد صاحب امتیاز روزنامه بهار ایران شیراز در نامه‌ای به نخست‌وزیر، ضمن دادخواهی نسبت به تعطیل روزنامه‌اش، راجع به روزنامه انحصاری گلستان می‌نویسد: «سزاوار نیست در شیراز که شهر ادبی و گهواره سعدی و حافظ به شمار می‌رود، تنها یک روزنامه به نام گلستان که آن هم در حقیقت نماینده آگهیهای ثبت اسناد است، منتشر و سایرین از این حق محروم گشته و به قول خواجه: سخن درست بگویم، نمی‌توانم دید- که می‌خوردند حریفان و من نظاره کنم.»<sup>(۱۶)</sup>

در پایان سال ۱۳۱۹، ۸ مرکز استان

صاحب روزنامه‌های انحصاری مورد حمایت دولت بودند و از تسهیلات مالی و تدارکاتی لازم بهره‌مند می‌شدند<sup>(۱۷)</sup> و بیش از هزار مقاله مربوط به پرورش افکار در این نشریات به چاپ رسیده بود.<sup>(۱۸)</sup>

۲. اصلاح و کنترل کیفیت چاپ در کشور با توجه به ۴ بند آخر اساسنامه، کمیسیون مطبوعات، نظارت بر کلیه وسایل چاپ در کشور را برعهده گرفت. این کمیسیون، می‌توانست با تعیین شرایطی برای ماشینهای چاپ روزنامه‌ها و مجلات، از به کارانداختن ماشینهای چاپ ناقص و کهنه جلوگیری کند. به این ترتیب، بسیاری از چاپخانه‌ها تنها به خاطر اشکالات فنی مثل یکنواخت نبودن مرکب و استفاده از حروف مستعمل تویخ شدند و در معرض تعطیل قرار گرفتند.

ایجاد چاپخانه‌های جدید و تکمیل و اصلاح چاپخانه‌های موجود، یکی دیگر از وظایف کمیسیون مطبوعات بود. در جلسه‌هایی که با حضور مدیران روزنامه‌های ایران، اطلاعات، کوشش، تجدید ایران و مجله ایران امروز و وزیر دارایی تشکیل گردید، تصمیم گرفته شد که چاپ نشریات نفیس و اوراق بهادار به چاپخانه مجلس اختصاص داده شود و برای تکمیل نواقص آن، اعتباری به مبلغ ۴/۱۱۸/۰۰۰ ریال در نظر گرفته شد.

«از آنجا که درآمد چهار روزنامه اصلی پایتخت، کفاف هزینه و استهلاک سرمایه لازم برای تکمیل چاپخانه‌های آنها را نمی‌داد، با پرداخت وامی بلند مدت با بهره مناسب به آنان موافقت شد. در مقابل لازم بود چاپخانه و تمام ماشین‌آلاتی که بعداً در آن نصب می‌شد، تا مدت تأدیه وام به وثیقه بانک درآید. ولی چون به هر حال باز هم درآمد هر روزنامه کفاف هزینه جاری و بهره وام را نمی‌داد، برای آنکه هم درآمد مسلمی برای چاپخانه‌های نامبرده تأمین گردد تا بتوانند از عهده تأدیه وام و هزینه جاری خود برآیند و هم آنکه اوراق مطبوعه ادارات و

پیوست ۳  
اساسنامهٔ بنگاه روزنامه‌نگاری  
مصوب یازدهمین جلسه هیئت مرکزی  
مؤرخ ۲۸ اسفند ۱۳۱۷

ماده ۱. بنگاهی در دانشکدهٔ حقوق به نام بنگاه روزنامه‌نگاری  
تأسیس می‌شود.  
ماده ۲. دورهٔ تحصیلات بنگاه روزنامه‌نگاری فعلاً یک سال  
خواهد بود.  
ماده ۳. برای ورود به بنگاه روزنامه‌نگاری، داوطلب باید واجد  
شرایط ذیل باشد:

۱. حسن اخلاق
۲. گواهینامهٔ تحصیلات متوسطه
۳. انجام خدمت زیر پرچم یا داشتن معافیت دایم از آن
۴. صحت مزاج
۵. تابعیت ایران.

تبصره ۱. اشتغال به تحصیل در دانشکده‌ها به دانشجوی حق می‌دهد  
که در این بنگاه بدون اینکه راجع به شرایط ورود از او تحقیقی شود،  
ثبت نام نماید.

تبصره ۲. کارمندان و نویسندگان فعلی روزنامه‌ها، با معرفی مدیر  
مسئول و واجد بودن شرایط می‌توانند در کلاس روزنامه‌نگاری  
شرکت نمایند، ولی گواهینامهٔ متوسطه از آنان مطالبه نخواهد شد.  
ماده ۴. برنامهٔ بنگاه روزنامه‌نگاری عبارت است از:

۱. زبان عربی و یکی از زبانهای زنده
۲. روزنامه‌نگاری (موضوع دادن برای نگارش یا نشان دادن  
نمونه‌های مطبوعات بزرگ عالم، سرمقاله نویسی و نگارش  
مقاله‌های سیاسی و اقتصادی و مالی و تجارتي) تقریظ شامل کتاب،  
هنر، موسیقی، نمایش، سینما.
۳. اصول روزنامه‌نگاری (خبر نگاری، ترقی و توسعهٔ روزنامه در  
عصر حاضر، سیاست روزنامه، روان‌شناسی توده، قانون مطبوعات  
ایران و آیین نامه‌های آن)
۴. تاریخ معاصر اروپا و ایران و کشورهای مجاور
۵. تند نویسی.

ماده ۵. پس از ختم تحصیل و قبول شدن در امتحان، دانشجویان  
گواهینامهٔ روزنامه‌نگاری از وزارت فرهنگ دریافت خواهند نمود.  
ماده ۶. آیین نامه‌های اجرایی این اساسنامه را دانشکدهٔ حقوق تهیه  
خواهد کرد.

• منبع: سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت آموزش و پرورش، سری ب

• پیوست ۴. تصویر نامهٔ مؤرخ ۱۳۱۸ وزیر کشور به نخست وزیر  
وقت، پیرامون انتشار «ایران امروز»

تاریخ ۳/۹ ماه ۱۳۰۸  
شماره ۲۰۶۶۷/۱۵۷۸  
پست شماره ایل ایران امروز



وزارت کشور

اداره جغرافیائی و دریایی  
دایره

جناب آقای نخست وزیر

چنانکه خاطر مبارک مستحضر است بامثال اوامریک از بنگاه اعلیحضرت هماهون شاهنشاهی  
شهرت و ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی ابلاغ گردید برای اصلاح وضع روزنامه  
های تهران. کمیته‌ای باحضر جناب آقای کفیل وزارت فرهنگ و تیمسار سرباس مختار رئیس کسبل  
شهریاتی دوزارت کشور تشکیل گردید.

ضمن اصلاحاتی که نسبت به روزنامه‌های مرکز کمیسیون در نظر گرفت همه مدیران بجرائی ابلاغ نمودند  
انتشار این مجله‌ها بانه با قطع بزرگ و عکس‌تولزم تشخیص شد. مجله مزبور که همگان  
(ایران امروز) است از شرف عرض هماهون شاهنشاهی گذشت اساساً تصویب و دستور تکمیل آنرا  
تیر ماه فرمودند و خصوصاً مقرر فرمودند (( که متدرجاً کوشش و اهتمام شود تا سیستمی مثل خطبه  
مجلس ایجاد نمایند که از هر جهت کامل و ارسته بود و اسباب خوبی مجله و نتایج دیگر فراهم گردد ))  
اینک در امثال اوامر شاهانه اساسنامه برای مجله (( ایران امروز )) تهیه شده که با اطلاع جنابعالی  
موسسانند و بپسندید که در دسترس شماست.

وزیر کشور  
وزیر فرهنگ و معارف  
وزیر آموزش و پرورش  
وزیر مالیه  
وزیر دادگستری  
وزیر جنگ  
وزیر راه  
وزیر صنایع و معادن  
وزیر بازرگانی  
وزیر تعاون  
وزیر بهداشت و درمان  
وزیر امور خارجه  
وزیر اطلاعات  
وزیر فرهنگ و معارف  
وزیر آموزش و پرورش  
وزیر مالیه  
وزیر دادگستری  
وزیر جنگ  
وزیر راه  
وزیر صنایع و معادن  
وزیر بازرگانی  
وزیر تعاون  
وزیر بهداشت و درمان  
وزیر امور خارجه  
وزیر اطلاعات

• منبع: سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت آموزش و پرورش، سری ب

مؤسسات دولتی صورت بهتر و آبرومندی داشته باشد، تنها راه چاره‌ای که به نظر می‌رسد، این بود که کلیه مطبوعات [= امور چاپی] دولتی جز آنچه به چاپخانه مجلس داده می‌شد در حدود استعداد چاپخانه‌های چهارگانه، منحصرأ به سندیکایی که برای این کار مرکب از صاحبان چاپخانه‌های نامبرده تشکیل می‌شد، داده شود که به فراخور امکان هزینه مربوط را بابت اقساط وام به دولت محسوب دارند.» (۱۹)

مفهوم جملات بالا این است که اولاً، چهار روزنامه پایتخت در مقابل دریافت وام در واقع به مالکیت دولت درآمدند. ثانیاً، تا سالهای طولانی انتشار اوراق دولتی را مجاناً به عهده گرفتند.

با اجرای این سیاست، چاپخانه‌های سابقه‌دار و مستقل شهرستانها در اثر ناتوانی مالی برای بهبود دستگاههای خود، از درآمد ناشی از چاپ اوراق دولتی، و سپس انتشار هرگونه نوشته‌ای محروم شدند و به تدریج، جای خود را به چاپخانه‌های دولتی یا وابسته به دولت دادند. مدیران پنج چاپخانه رشت، ضمن ارسال گلایه‌نامه‌ای به سازمان پرورش افکار، زبان ناشی از اقدامات دولت را این چنین شرح دادند: «چاپخانه‌های رشت تا کنون، به واسطه چاپ اوراق سیگار و کشاورزان چای، خود را اداره می‌کردند. چند سال قبل به واسطه انحصار دخانیات، چاپ اوراق سیگار از بین رفت و کارهای چاپخانه، منحصر به اوراق بسته‌بندی چای گردید که آن هم از سال جاری به واسطه انحصار موقوف شد. چاپخانه‌های رشت حاضر شده‌اند که مزد چاپ دوایر دولتی شهرستان رشت را از قیمتی که وزارت دارایی به چاپخانه‌های تهران می‌پردازد، صدی پانزده و از مزد صحافی صدی پنج تخفیف دهند، با این حال، روانیست که دوایر ثبت اسناد، پست و تلگراف، بانکها و قماش، اوراق معرفی خود را تماماً و دوایر دارایی، دخانیات، برنج، نوغان، قسمت اعظم اوراق خود را از تهران وارد نمایند.» (۲۰)

● پیوست ۵. تصویر نامه مدیر نشریات وزارت بازرگانی به نخست وزیر وقت، مؤرخ ۱۳۱۸، در اعتراض به فروش اجباری و ایران امروزه به کارمندان دولتی

۱۳۱۸

جناب آقای نخست وزیر

با کمال ادب عرض می‌دارم نهنده کسی است که سر خود را در امور مطبوعات و چاپ صرف کرده و پیش از این سال مستقیم و غیر مستقیم روزنامه و مجله می‌نویسد - در حقیقت روزنامه‌ها و مجلات را بنویسد و افراد خواننده خود می‌نماید و چون هر مقاله دارای راسی نیست که افراد خواننده اثر را درستی و ننگی و سرپر دیگران به بند البته بندی حق می‌دهد که نسبت به پیشنهاد آن جناب راجع به تسلیم مجله (ایران امروز) به کارمندان دولتی که اکثر بیگانه و بی‌ملاطه مطبوعات هستند چسبناست استصفا کند این نوهین را نسبت به مطبوعات روا ندانند.

اکنون که بعد از در سایه توجهات قائد دوانای ایران همه نوع وسائل چاپ و تزئین مطبوعات در ایران مهیا و فراهم است بهتر نیست که کارکنان مطبوعات کشور بجای استفاده از آنها بر اشخاص بی‌ملاطه و بی‌تجربگی مجله و تنوع مطالب آن بپردازند ؟ اگر آنها قادر نیستند به (ایلیستراسیون) مثل فرانسه در ایران حساب کنند سکن است الا آن را بیایند پس از جملات انفاضان (ملاکات) که چند دهه آن قدم می‌برد تا کارها و دور نهایی آن مورد نظر قرار گیرد (برسانند).

فدوی از لحاظ دهر جای که دارد اطمینان می‌دهد که مجله ایران امروز با هر جمله دیگری که مراعات نظم و ترتیب انتشار را بنماید و از وسایل جدید برای چاپ و مکتوب‌گرا استفاده نموده از نمایر آرتیستی و هنر پیشگی و سلیقه در مکتوب‌داری و انضام موضوعت و غیره مکتوبها و در نصابهای چاپ توجه چاپ نماید به چه وجه محتاج نخواهد بود که مجله اثر را بر اشخاص تحصیل و با وسایلی خود از وسایل عالی بهره برداری نماید.

البته تصدیق بنماید که این امر سرعت شدنی نیست و از همان قطره اول بهره برداری فراموشی است ولی اطمینان می‌دهد که اگر بیگانه با سرمایه نچینا کافی دایر کرده بنویس موقی به پیشرفت شده و شاید در سال پنجم سه برابر ده کارمندان دولتی که فعلاً در تحصیل بر آنها هست مشترک ملاکند و ثابت داشته و علاوه بر اینکه سرمایه اولیه اش مستهلك گردیده دارای سرمایه کافی هم باشد.

در خانه معروض می‌دارد چون تقدم این معروض بر اساس هم تسلیم مجله ایران امروز باشماست و بیانکه خرید و فرزند می‌تواند از تقدم نظریه انتقادی یا پیشنهادی نسبت به مجله پیش از این خود داری و البته اگر مناسب و مصلحتی باشد در تقدم پیشنهاد و نظریات تجریش خود ضایع نخواهد داشت.

دهی - فرخ دین پارسی مدیر نشریات وزارت بازرگانی

تاریخ: ۱۳۱۸

منبع: سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت آموزش و پرورش، سری ۱۰

### ۳. تربیت کادر جدید و متخصص برای مطبوعات

تا پیش از تشکیل سازمان پرورش افکار، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای نبود که دست اندرکاران آن بر اثر علاقه شخصی و به مدد تجربه عملی به تدریج در کار خود تبحر یافته و با استفاده از زمینه‌های اجتماعی، به ارائه خدمات فرهنگی می‌پرداختند. با آغاز سال ۱۳۱۹، اولین مؤسسه رسمی آموزش روزنامه‌نگاری وابسته به کمیسیون مطبوعات تشکیل شد. این مؤسسه که «بنگاه روزنامه‌نگاری» نامیده می‌شد، با تشکیل دوره‌ای یکساله در دانشکده حقوق، از داوطلبانی که دارای شرایط زیر بودند، ثبت نام می‌کرد: ۱. حسن اخلاق، ۲. گواهینامه تحصیلات متوسطه، ۳. انجام خدمت زیر پرچم یا داشتن معافیت دایم از آن، ۴. صحت مزاج، ۵. تابعیت ایران. کارمندان و نویسندگان شاغل در روزنامه‌ها از شرط دوم و دانشجویان دانشکده‌ها از شرایط دیگر معاف بودند.

برنامه بنگاه روزنامه‌نگاری از موارد زیر تشکیل می‌شد: ۱. زبان عربی و یکی از زبانهای زنده ۲. روزنامه‌نگاری شامل: موضوع دادن برای نگارش یا نشان دادن نمونه‌های مطبوعات بزرگ عالم، سر مقاله نویسی و نگارش، مقاله‌های سیاسی و اقتصادی و مالی و تجارتمی - تقریظ شامل: کتاب، هنر، موسیقی، نمایش، سینما ۳. اصول روزنامه‌نگاری: خبرنگاری، ترقی و توسعه روزنامه در عصر حاضر، سیاست روزنامه، روان‌شناسی توده، قانون مطبوعات ایران و آیین‌نامه‌های آن ۴. تاریخ معاصر اروپا و ایران و کشورهای مجاور ۵. تند نویسی. دانشجویان پس از خاتمه تحصیل، گواهینامه رسمی روزنامه‌نگاری را از وزارت فرهنگ دریافت می‌کردند (پیوست ۳).

متأسفانه به خاطر دیرپای بودن اسناد فرهنگی دوران رضاشاه، اطلاعات ما درباره تعداد دوره‌های تشکیل شده، افراد شرکت کننده و استادان بنگاه روزنامه‌نگاری بسیار

محدود است. در مقاله‌ای جدید به نقل از نوشته‌ای منتشر نشده، نام سعید نفیسی و محمد حجازی به عنوان مدرّسان آن مؤسسه ذکر شده است که با توجه به مسئولیت محمد حجازی در کمیسیون مطبوعات و تدریس سعید نفیسی در آموزشگاه پرورش افکار، این امر متحمل است.<sup>(۲۱)</sup> نگارنده در ضمن مطالعه شرح حال مرحوم جلال‌الدین همایی دریافت که «وی در سال ۱۳۱۹ در دانشسرای عالی شروع به کار می‌کند، ضمناً برای مدتی محدود به معلمی کلاس روزنامه‌نگاری انتخاب می‌شود، در همین ایام است که کم کم به دانشکده حقوق و دانشکده ادبیات انتقال می‌یابد.»<sup>(۲۲)</sup> با توجه به اینکه در سال ۱۳۱۹ فقط یک کلاس روزنامه‌نگاری در دانشکده حقوق وجود داشته است، به این ترتیب، باید نام مرحوم همایی را نیز به مجموعه استادان آن مؤسسه اضافه کرد. ولی در مورد شرکت کنندگان و سرنوشت آن بنگاه باید تا یافتن اطلاعات بیشتر صبر کرد. اما همین اطلاعات مختصر درباره درسها و استادان روزنامه‌نگاری در آن دوران و مقایسه آن با محتوای فعلی درسها، قوت برنامه‌ریزی مسئولان بنگاه روزنامه‌نگاری را می‌رساند.

بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه، کمیسیون مطبوعات موظف شده بود وسایل ایجاد کلاس چاپ را برای پرورش چاپگرهای لایق فراهم کند. اداره کل انتشارات و تبلیغات هم وظیفه‌ای مشابه بر عهده داشت. با وجود این، از چند و چون تشکیل این کلاس نیز اطلاع چندانی نداریم. ولی با توجه به متن نامه اناره کل انتشارات و تبلیغات به نخست وزیر در تاریخ ۱۳۱۹/۱۰/۵ که در آن تأسیس آموزشگاه چاپ به سال بعد موکول شده است، احتمال می‌رود با بروز حوادث شهریور ۱۳۲۰ این مسئله هم عملی نشده باشد.

۴. سفارش و انتشار کتابهایی در راستای اهداف سازمان پرورش افکار  
بر اساس ماده نهم اساسنامه، کمیسیون

مطبوعات موظف بود هر ساله تا بیست موضوع را در زمینه مرام پرورش افکار به مسابقه بگذارد و به نویسندگان کتابهای پذیرفته شده، دستمزد دهد. اما در عمل، کار کمیسیون به انتشار ۴ مجموعه از سخنرانیها، نمایشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های سازمان پرورش افکار و انتشار مجموعه درسهای مربوط به آموزشگاه پرورش افکار خلاصه شد. و در قسمت تألیف هم، کمیسیون مطبوعات کتابی از حسین فرهودی، رییس دبیرخانه سازمان را به نام فروغ زندگی برای سوادآموزی سالمندان منتشر کرد. از کتابهای احتمالی دیگر که مستقیماً یا با حمایت سازمان پرورش افکار منتشر شده است، اطلاع نداریم.

۵. ایجاد مجله‌ای به عنوان ارگان تبلیغاتی  
اگرچه پس از تشکیل سازمان پرورش افکار، در واقع تمام مطبوعات کشور به نوعی ارگان تبلیغاتی دولت شدند، اما نیاز به یک نشریه وزین و بهره‌مند از بهترین اسلوبهای نگارش، صفحه‌بندی و چاپ از چند جهت لازم بود. اولاً، انتشار این مجله می‌توانست الگویی مطلوب برای دیگر مطبوعات فراهم آورد. ثانیاً، ارگان مستقل باعث تقرب بیشتر مسئولان پرورش افکار به دربار می‌شد. ثالثاً، وجود نشریه‌ای که در خارج نیز معرف پیشرفت‌ها و وضعیت جاری کشور باشد، لازم بود. در نتیجه، انتشار مجله ماهانه‌ای به نام ایران امروز به مدیریت محمد حجازی مورد تصویب قرار گرفت (پیوست ۴). اولین شماره ایران امروز در روز ۲۴ اسفند ۱۳۱۷ - سالروز تولد رضاشاه - منتشر شد. روی جلد، تصویر بزرگ پل وریک نقش بسته، و در داخل مجله نیز، گزارشهای مصوری از رژه سوم اسفند - سالروز کودتا - و دیگر مراسم رسمی درج شده بود. سرمقاله این شماره این گونه آغاز می‌شود: «کارکنان این مجله بنا به وظیفه مقدس دانش پروری که بر عهده گرفته‌اند، هم میهنان را به شاه‌پرستی و میهن‌دوستی رهبری [می‌کنند].»





توصیف آنچه در طول دو سال انتشار این مجله بر آن گذشت، خود فصلی مفصلی خواهد شد از سرنوشت محتوم نشریات فرمایشی. اما با توجه به حجم مقاله، تنها به ذکر اجمالی از آن تفصیل اکتفا می‌شود.

اولین مشکل اساسی مجله ایران امروز، مسئله عدم توازن درآمد و هزینه بود. در ابتدا وزارت کشور عهده‌دار تأمین هزینه‌های مجله به حساب اداره نامه‌نگاری آن وزارتخانه بود، ولی به علت قیمت گران مجله (صد ریال برای هر سال) و اینکه در آن اداره بودجه‌ای برای این کار منظور نشده بود، اداره مجله بابت کاغذ و چاپ مجله در چاپخانه مجلس مقدار زیادی بدهکار شد. در سال بعد نیز میزان این بدهکاری چنان بالا رفت که چاپخانه مجلس از ادامه چاپ مجله خودداری کرد. مشکل بعدی مجله، مسئله توزیع آن بود. با آنکه مجله از ابتدا تیراژ ۵ هزار شماره‌ای داشت، ولی خریداری برای آن پیدا نمی‌شد. اقدامات تمام ارگانهای دولتی برای یافتن خریدار به جایی نرسید و در آخرین سال انتشار، تیراژ مجله به دو هزار نسخه کاهش یافت. ناگزیر، دولت برای جلب مشترک برای مجله به تکاپو افتاد. ابتدا به استانداریها ابلاغ شد که برای فروش مجله اقدام فوری و مؤثر نمایند و نتیجه را به نخست وزیر اطلاع دهند تا به عرض برسد. نمایندگان مجلس شورای ملی نیز موظف شدند تا اشتراک مجله را بپذیرند. شهرداری تهران نیز می‌بایست لااقل هزار مشترک بین صنفهای مختلف از پزشکان گرفته تا آرایشگاهها بیابد و به علاوه هر ماه ده آگهی از بنگاههای مهم برای مجله فراهم کند. سفارتخانه‌های ایران در خارج نیز موظف شدند با استفاده از بودجه وزارت خارجه، ماهی ۱۰ شماره از مجله را مشترک شوند.

آخرین راه نیز، تحمیل مجله به تمام کارمندان دولت بود که ماهیانه بیش از هزار ریال حقوق می‌گرفتند. لیست اسامی این افراد به همراه حق اشتراک یکساله، از کارگزینیها در اختیار اداره مجله قرار گرفت و در مقابل، شماره‌های مجله به آدرس آنان

فرستاده می‌شد. این نحوه فروش مجله، وابسته بودن شدید مجله به بودجه دولت و جذاب نبودن مطالب آن، موجب اعتراضهای کتبی و مقاومت منفی شد (پیوست ۵). با همه این تمهیدات، مجله نتوانست از عهده هزینه‌های سنگین نگارش و چاپ برآید و در نتیجه، در سال ۱۳۲۰ عملاً تعطیل شد و وزیر دارایی در نامه‌ای خطاب به نخست وزیر نوشت: «معلوم نیست با تمام این مخارج، چه استفاده‌ای از آن شده و می‌شود. به نظر وزارت دارایی، با مضیقه بسیار بودجه دولت و گرانی و کمیابی کاغذ که در آتیه نیز گرانتر خواهد شد، ادامه چاپ مجله نامبرده به صلاح و صرفه دولت نمی‌باشد. با مراتب مسعروضه، مستدعی است در صورت موافقت بانظر وزارت دارایی، دستور بنرمایند عاجالتاً از چاپ مجله گرفته شده صرف نظر نمایند تا با وضعیت و مشکلات کنونی، از این حیث خسارتی متوجه دولت نگردد.» (۲۳) با موافقت نخست وزیر، مجله محترمانه تعطیل شد و قرار شد به جای آن هر سه ماه یک بار مجله‌ای به چند زبان خارجی برای تبلیغات دولتی منتشر شود. بدین ترتیب، تمام این اقدامات که ذکر آن گذشت، عمری بیش از دو سال نیافت. حوادث شهریور ۱۳۲۰ به سرنگونی رضاخان انجامید و جز نامی در کتابها، یادگاری از سازمان پرورش افکار برجای نماند.

#### ● پانوشها

۱. برای آگاهی بیشتر در مورد متن ننگراها، نگاه کنید به کتاب: شاهنشاهی اعلی حضرت رضا شاه، عبدالله امیر طهماسب، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
۲. جامعه ایران در دوران رضا شاه، احسان طبری، تهران، انتشارات حزب توده، چاپ دوم، ۱۳۵۶، ص ۵۰ و ۵۱.
۳. برای آگاهی پیرامون رابطه مطبوعات و رئیس الوزرا، نگاه کنید به: تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، تهران، نشر ناشر، ۱۳۵۸ به بعد، ج ۲، ص ۳۲۷، و ج ۲، ص ۱۹.
۴. در این مورد، روزنامه‌های فرانسوی در سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۴ مقالات زیادی انتشار دادند. انتشار یک کاریکاتور در یکی از روزنامه‌های فرانسوی، باعث قطع رابطه ایران و فرانسه شد. برای

توضیح بیشتر، نگاه کنید به: تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، ج ۲، ص ۴۰۹-۴۱۲.

۵. برگرفته از متن سخنرانی دکتر مثنی دفتری، در اولین جلسه مجلس پرورش افکار، رک: مجموعه سخنرانیهای پرورش افکار، ج ۱، تهران، انتشارات سازمان پرورش افکار، ۱۳۱۹.

۶. روزنامه ایران از تاریخ تصویب اساسنامه این سازمان، تا ده شماره مرتباً سر مقاله‌های خود را به موضوع پرورش افکار اختصاص داد و حبیب‌قلی ستان در این زمینه قلم فرسای بسیار کرد.

۷. بعدها کمیسیون خدمات عامه نیز به کمیسیونهای یاد شده اضافه شد.
۸. روزنامه ایران، شماره ۲۷۵۹۴، ۱۲ بهمن ۱۳۱۷، ص ۲.
۹. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره اداره کل انتشارات و تبلیغات، نگاه کنید به: یادگار عمر، عیسا صدیق، تهران، انتشارات، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۱۰-۱۱.
- ۱۰- بودجه سالانه سازمان پرورش افکار، ۱۰۰ هزار تومان، بودجه اداره کل انتشارات و تبلیغات یک میلیون تومان بوده است.
۱۱. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت آموزش و پرورش، سری ب، نامه رئیس کمیسیون مطبوعات به وزیر فرهنگ، به شماره ۱۰۱، مؤرخ ۱۳۱۹/۷/۲۵.
۱۲. همان مأخذ، نامه خلیل نومی به معاون نخست وزیر، مؤرخ ۱۳۱۹/۷/۱۷.
۱۳. همان مأخذ، صورت مجلس شماره ۱۵۶، مؤرخ ۱۳۱۹/۱۱/۱۶.
۱۴. همان مأخذ، نامه کمیسیون مطبوعات به وزیر فرهنگ، به شماره ۱۰۱، مؤرخ ۱۳۱۹/۷/۲۵.
۱۵. همان مأخذ، نامه کمیسیون مطبوعات به وزیر فرهنگ، به شماره ۱۰۰، مؤرخ ۱۳۱۹/۷/۲۵.
۱۶. همان مأخذ، نامه شماره ۳۵۳، مؤرخ ۱۳۱۹/۱۲/۱۲.
۱۷. همان مأخذ، گزارش اداره کل انتشارات و تبلیغات، به شماره ۱۶۹۰/۴۰۶۵۶۶، مؤرخ ۱۳۱۹/۱۲/۲۷.
۱۸. ایران امروز، سال دوم، شماره ۳، خرداد ۱۳۱۹، ص ۱۲.
۱۹. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت آموزش و پرورش، سری ب.
۲۰. همان مأخذ، نامه چاپخانه‌های رشت به کمیسیون مطبوعات، مؤرخ ۱۳۱۹/۵/۱۲.
۲۱. نگاهی به آموزش روزنامه‌نگاری در ایران، رسانه، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۶۹، ص ۸.
۲۲. شعبویه، جلال همایی، به اهتمام منوچهر قدسی، اصفهان، بی تا، بی تا، ص ۷۸.
۲۳. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت آموزش و پرورش، سری ب، نامه وزیر دارایی به نخست وزیر، به شماره ۴۲۷۱، مؤرخ ۱۳۲۰/۱۲/۲۰.